



اشاره: انتخابات سال ۸۸ با پدیده‌ای مواجه بود که از آن به «شورش اشرافیت علیه کمپوریت» نام می‌برند، در این پدیده عمدتا شمال شهرنشینان شورش کرده بودند و جنوب شهرنشینان در مقابل آنها از نظام دفاع می‌کردند اما امروز مساله کمی متفاوت شده است و آسیب‌های اجتماعی به بخشی از آنها نیز اقتصادی است باعث شده اعتراضات حتی از جنوب تهران نیز علیه سیستم سازماندھی شود، اتفاقی که می‌توان به‌صورت پابلوت در قهر جنوب تهران با صندوق‌های رأی انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد. آسیب‌هایی که به قول رهبر انقلاب «مانند آسیب‌های طبیعی‌اند مانند زلزله که می‌تواند بنای خانه‌ها را تخریب کند، این آسیب‌ها بنیان خانواده و اجتماع را برهم می‌ریزد. اگر بموقع و بهنگام شناخته یا پیشگیری شود، احتمال کاهش خسارات‌ها افزایش خواهد یافت. اما اگر نسبت به آن غفلت شود، خدای نکرده ممکن است بنای جامعه را متزلزل کند. درست است که ما در کشور در درجه اول مساله اقتصاد را داریم و خود مشکلات اقتصادی سهم ایبه عنوان» یکی از آن عوامل ریشه‌ای این مفاسد، مورد توجه ماست، لکن مساله مفاسد اجتماعی… یکی از بیماری‌هایی است که هر روزی که بر آن بگذرد و علاج نشود، عمق بیشتری پیدا می‌کند و علاجش دشوار تر خواهد شد. لذا مساله فوق‌العاده مهم است»(۹۵/۲/۱۱)

■ **آسیب‌اجتماعی چیست؟**

آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه‌وریشه‌یابی‌بی‌نظمی‌ها،ناهنجار‌ی‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و… هم‌راه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها و نیز مطالعه شرایط بیمار گونه و نابسامان اجتماعی است. به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه‌های هنجارها مراعات نشود، کجروی پدیی می‌آید و رفتارها آسیب می‌دهند. یعنی آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب‌اجتماعی است.

■ **ملاک‌های بررسی پدید آمدن آسیب‌های اجتماعی**

۱- **ملاک آماری:** از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار ناپهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می‌دهد. کسی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد ناپهنجار تلقی می‌شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می‌شود

۲- **ملاک اجتماعی:** انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب گهواره فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد یا هنجارها، سنت‌ها و انتظارات جامعه یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می‌کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار ناپهنجار و بهنجار است.

۳- **ملاک فردی:** از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار ناپهنجار، میزان و شدت ناراحتی‌ای است که فرد احساس می‌کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی متلافرهنگیان یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه شود، چنین رفتاری ناپهنجار تلقی می‌شود.

۴- **ملاک دینی:** علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای هنجار از ناپهنجار وجود دارد، چرا که معیارهای مزبور، معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ یعنی افراد جامعه درباره ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق کرده، در عمل به آن پایبندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می‌کنند. اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش‌های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش‌ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه‌های دینی تعیین می‌شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص از تکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود.

■ **علل بوجود آمدن آسیب‌های اجتماعی**

علل بروز آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای متفاوت است اما به‌صورت کلی در جامعه ایرانی، تغییر مبنای اجتماعی شاید بزرگ‌ترین مساله در بوجود آمدن آسیب‌های اجتماعی باشد. جامعه ایران یا درست‌کم بخش قابل توجهی از جامعه ایران در حال تجربه‌ای است که اصطلاحاً «تجربه تغییر مینا» گفته می‌شود. جامعه در مناسبات و روابط اجتماعی‌اش، در ارزش‌ها و در نهایت در نهادهای اجتماعی‌اش در حال تغییر دادن مبناست. در قالب همین تجربه تغییر مینا شهرنشینی لجام‌گسیخته، گسترش حاشیه‌نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه‌نشینی در شهرها با ارتباط مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورم و گرانی هزینه‌های زندگی، موجب می‌شود افراد غیر کار آمد که در آمدشان

۲- **طرد اجتماعی**

چگونگی بر خورد دوستان، افراد فامیلی و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخورد‌ها قوی‌تر و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی منظر است.

۴- **نوع شغل**

از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد و مورد تأکید قرار گرفته است، از تباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است.

همواره رابطه‌ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم‌تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد،

هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می‌یابد

۵- **بیکاری و عدم اشتغال**

از دیدگاه جامعه شناسان و روانشناسان بیکاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بیکاری موجب می‌شود افراد بیکار جذب قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، بتدریج به دامان انواع کجروی‌های اجتماعی کشیده شوند.

۶- **فقر و مشکلات معیشتی**

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم کردن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و… زمینه بروز دلزدگی، سر خوردگی، ناراحتی‌های روحی، دلمشغولی، افسردگی و انزواطلبی را در فرزندان فراهم می‌کند. این امر موجب می‌شود این افراد برای التیام ناراحتی‌های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری‌های دست، به ارتکاب اعمال ناشایستی می‌زنند. از سوی دیگر، امروز فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان‌آوران خانواده، در مشاغل کاذب یا غیرمجاز را افزایش داده است. همین مساله منجر به کم‌توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها شده است. در این‌زمینه،عکاس شرایط افسانه‌ای برخی زندگی‌ها و نمایش فاصله‌های طبقاتی توسط رسانه‌ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارد.

۷- **دوستان ناباب**

گروه همسالان و دوستان گهگاهی مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افند و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می‌شود. از این رو، بنسدت متأثر از آن گروه می‌شود تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود، یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست، چرا که فرد پس از خانواده، منحصراز بر نفوذ گروه قسر می‌گیرد. بدین روی، اگر فردی از گروهی از معنادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، بتدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می‌گیرد و معناد می‌شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آنهاست و از سوی دیگر، معنادان هم علاقه‌مندند مواد مخدر را به طور دسته‌جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتناع بر خود بکامند. «ساترلند» در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت بسا دیگران یعنی منحرفان دوستان ناباب آموخته می‌شود و همان‌گونه که همزمان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می‌دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می‌شوند. این نظریه تأکید می‌کند فرد منحرف تنها با هنجارشکنان و فرد همنوا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می‌کنند و تأثیر می‌گذارند، معتقد است به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارتند از:

۱- شدت تماس با دیگران: احتمال انحراف فرد بر اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا بر اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود

۲- سنن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان‌های دیگر و سایر مقاطع سنی است.

۳- میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با همنوایان: هرچه ارتباط و معاشرت با کچ رفتاران نسبت به همنوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.

در این‌باره سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. در سخنان پیامبرگرامی صلی‌الله علیه و آله آمده است: «المرء علی دین اخیه» هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می‌کند. از این رو، رهبران دینی ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار و دوستان ناباب باز می‌دارند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «مجالسه اهل الهوی منسأة للإیمان و محضرة للشیطان.» همنشینی با هوی‌پرستان ایمان را به دستت فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند. همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لتصحوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصرفوا عند الناس کواجدهم»؛ با افراد منحرف همنشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا همنشینی با آنان موجب می‌شود مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

۸- **محیط**

محیط نیز از جمله عوامل تأثیر‌گذار بر پیدایش رفتارهای شایسته یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد،

فردا دیر است؛ همین امروز باید علاجی یافت!

ایران روی گسل آسیب‌های اجتماعی

در این زمینه مطرح است.

۱- شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می‌کند و فرد را به انحراف می‌کشاند.

۲- توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقیم‌ماندگی ذهنی

۳- توجه به مشکلات آموزشی مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی‌توجهی به تکلیف درسی و تقلب در درس

۴- توجه به مشکلات عاطفی- روانی همچون افسردگی، خیالبافی، بدبینی، خودکم‌بینی، خودبیزگبینی، زودرنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم‌حرفی و وسواس

۵- توجه به مشکلات اخلاقی- رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه‌نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خودارضایی، چشم‌چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و…

پ- **وظایف خانواده**

خانواده‌ها نیز وظایفی در مقابل پیشگیری از جرم و بزهکاری فرزندان دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه‌ای که آنان براحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند.

۲- تقویت اعتقادات فرزند، بویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای‌بندی عملی والدین به آموزه‌های دینی

۳- ایجاد سازگاری در محیط خانه

۴- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان

۵- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین

۶- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده

۷- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود

۸- برنامه‌ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و نظارت جدی والدین نسبت به دوستیابی فرزندان.

ت- **وظایف سایر نهادها**

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش‌وپرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و… نیز در این زمینه وظایفی دارند که مهم‌ترین آنها حل مشکلات اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی است که به موجب آن بسیاری از بزهکاری‌های اجتماعی کاسته و مدیریت می‌شود. اما علاوه بر آن اقدامات دیگری شامل:

۱- تقویت ارتباط میان والدین دانش‌آموزان با مربیان و عدم واگذاری

مسؤولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی

۲- تقویت مراکز مشاوره‌های مفید و کار آمد در مدارس

۳- بها دادن به مساله ترک تحصیل یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه

و ضرورت ارتباط با خانواده‌های آنان

۴- ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنها

۵- اعمال مجازات‌های سنگین، علنی و جدی (در ملأعام) برای باندهای فساد، اغفل و…

۶- تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی

۷- برنامه‌ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی‌عدالتی و بیکری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان

۸- جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پراختسن جوانان به اشتغال‌های کاذب مثل سیگارفروشی، سی‌دی‌فروشی و…

۹- ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان

۱۰- ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال و…

۱۱- ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی‌کاری و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و…

۱۲- فراهم کردن موقعیت‌ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان آبرومندانه‌ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجددا دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد.

۱۳- از آن رو که از جمله عوامل مؤثر بسر ارتکاب جرم، بی‌کاری و فقر است، باید با برنامه‌ریزی دقیق- که نیاز به عزم ملی دارد- نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه‌کنی فقر و بیکاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

با تلخیص و تصرف از مقاله محمد فولادی، نشریه معرفت، شماره ۹۱

